

عنوان مقاله:

همگرایی سورریالیسم و مدرنیسم در داستان باز رو به رود مندنی پور

محل انتشار:

اولین کنفرانس ملی تحقیقات بنیادین در مطالعات زبان و ادبیات (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

محمدرضا روزبه - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان

مریم میرزایی مقدم - دکترای زبان و ادبیات فارسی

خلاصه مقاله:

داستان کوتاه باز رو به رود اثر شهریار مندنی پور از مجموعه ی شرق بنفشه، تمهیداتی فراهم آورده است که محمل مناسبی باشد برای بیان قابلیت همپیوندی بین دو مکتب سورریالیسم و مدرنیسم در یک بستر. کشف و بیان برخی از مولفه های اساسی سورریالیسم مانند: نگارش خودکار، رویا، اسراروارگی، دیوانگی، تصادف عینی، شعرگونگی، گریز از واقعیت به فراواقعیت ... و تطبیق آنها با برخی مولفه های داستان کوتاه مدرن مانند کارکرد ضمیر ناهشیار، قطعیت گریزی، شاعرانگی، مالیحولیا و اعتراض به حاکمیت عقل، دلزدگی از جامعه سالاری، نظام سالاری، عصیان علیه واقعیت، و... زمینه این نوشتار است. این رویکرد سبب کشف تکنیک های زیرساختی مشترک دیگری مانند: استفاده از نمادها گسست های درون متنی به تبع گسست های ذهنی راوی استفاده از تکنیک سیلان ذهن، تک گویی درونی، برهم زدن ساختار خطی زمان (عدم توالی زمانی)، فقدان روابط علی، تداعی معانی، ابهام و.. می شود. یافته های پژوهش نشانگر آن است که بعضی از مولفه های مدرنیسم و سورریالیسم، قابلیت همبستری در یک متن داستانی دارند، اما بیان این مطلب به این مفهوم نیست که هر متنی این ظرفیت را دارد. نیز هدف ما تعمیم این نکته نیست که این دو مکتب، تنها نقاط اشتراک دارند و از وجوه افتراق خالی هستند.

کلمات کلیدی:

سورریالیسم، مدرنیسم، داستان کوتاه، باز رو به رود، مندنی پور

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/785735>

